

# پادشاه

ویژه فرهنگ - هنر | رسانه - جامعه

چهارشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۱ | ۶۲۹۷

با حضور خانواده شهید باهنر در سالن همایش بنیاد فرهنگی رفاه

## سریال «راز ناتمام» تقدیر شد

### سبک زندگی

گزارش «جام جم» درباره خطرات و چالش‌های گرایش افراطی به مکمل‌ها

## زیبایی پرریسک

تازه‌ترین آمارها از تولیدکنندگان مکمل‌های غذایی و دارویی، خبرهای خوشی برایمان ندارند، چرا که طبق این آمار، تولید و مصرف مکمل‌های ورزشی که عموماً آقایان مصرف‌کننده آن هستند و مکمل‌های زیبایی که بیشترین طرفدار را در بین خانم‌ها دارند، نسبت به گذشته، افزایشی دوتاسه برابری داشته است. مکمل‌هایی که قرار است به هر قیمتی، فرد مصرف‌کننده را به چهره و اندامی زیباتر از آن چیزی که هست، برسانند. اما چرا جامعه به این حجم اغراق‌شده از زیبایی تمایل پیدا کرده است؟ به نظر می‌رسد مثل خیلی از مسائل دیگر، پای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در میان است.



بی‌توجهی به ریشه‌های فرهنگی ایران و هند چه عواقبی دارد؟

# فروریختن برج بابل بر سر اقوام جدا افتاده



نگاهی به فیلم «کوزوو» به نویسندگی و کارگردانی میثم هاشمی طبا

## یک کمدی اخلاق‌گرا

فرهنگی

۱۰



گفت‌وگو با امیر تاجیک تهیه‌کننده «مسیر عاشقی»

## روایت حکم اعدام بعثی‌ها برای خادمان اربعین

رسانه

۶



گفت‌وگو با علیرضا صادقی تهیه‌کننده برنامه «پاشگاه امید»

## جذب نوجوانان برای برنامه‌سازی تلویزیونی

رسانه

۷

### در اتاق شاعر

## دوری و دوستی از نگاهی دیگر



علی محمد مودب شاعر

آیا هر کسی که از مافصله می‌گیرد ما هم باید از او فاصله بگیریم؟ این سؤال بسیار ساده، جوابی به همین سادگی ندارد. در عرصه سیاست و اجتماع برای جهان‌بینی عاقبت‌نگر قطعاً جواب این سؤال بله نیست اما حتی در زندگی خصوصی هم مسئله به همین سادگی نیست. بسیاری از آدم‌ها به دلیل توهماتی از ما دور می‌شوند و سیاست عمل متقابل پاسخ درستی به این عملکرد آنها نیست. اگر مدام این‌طور عمل کنیم روز به روز تنها و تنهاتر می‌شویم. دنیای واقعیت‌دنیای بی‌سبب نیست و انسانیت انسان به درک و تحلیل هوشمندانه شرایط پیچیده واقعیت وابسته است. در واقع آن متغیری که در حل این مسئله اهمیت اساسی دارد، این است که آیا دور شدن طرف مقابل ما بر اساس علم و آگاهی و تعمد و در وضعیت روانی متعادلی صورت گرفته یا این‌که در نوعی ناچاری بیرونی یا درونی تصمیم به دور شدن و کناره‌گیری از ما گرفته است. هر چه انسان بلوغ و کمال بیشتری پیدا می‌کند، وجود او با وصل و قربت و پیوند تناسب بیشتری می‌یابد. چنین انسانی با همه اضلاعش در پیوند است و می‌تواند با خود تعامل شایسته‌تری داشته باشد. طبیعت وجود همه جانبه و چند بعدی توانایی ارتباطی بیشتری دارد، چرا که با هر ضلعی از وجود خود می‌تواند با گروهی ارتباط بگیرد و بنا بر هر صفتی که در خلقت خود دارد و آن را در اخلاق خود به کمال رسانده، امکان ارتباط با بخشی از خلق را دارد. آیین وجود کمال یافته و متعلق آن‌گونه است که هر کسی در وجود او خود را می‌یابد و بنا بر همان مشابهت و قربت می‌تواند به او نزدیک شود، از این روست که در یک خانواده بر جمعیت، پدر آینه هستی تمام فرزندان است اما هر فرزندی نمی‌تواند به همه برادران و خواهرانش نزدیک شود. مادر می‌تواند همه فرزندان خود را به تمامی دوست بدارد اما هر فرزندی در میان برادران و خواهران خود فقط با برخی همداستان، همدل و همدست است. در جامعه هم وضع به همین منوال است. آن‌که بهره بیشتری از محبت دارد با بیشترین آدم‌ها از طیف‌های مختلف می‌تواند در پیوند باشد. این نوع آدم‌ها با محبت وجودشان چسب اجتماع هستند و گسل‌ها و شکاف‌ها را با تردد در میان طبقات اجتماع ترمیم می‌کنند اما برخی که بهره کمتری از محبت دارند یا کوچک‌ترین بهانه‌ای از دیگران می‌گسلند و احساس خودکفایی می‌کنند. احساس ضعف یا قدرت مهم‌ترین موتور محرک ایجاد گسل‌های انسانی است و فقط محبت است که می‌تواند در چنین شرایطی میانداری کند. محبت بالاترین قدرت هاست و از این روست که اهل محبت توان بهترین برخورد‌ها را در وضعیت‌های دشوار دارند. اگر محبت اهل محبت با وجود خداوند گره بخورد، آنان بالاترین تعادل روانی را دارند و در هر شرایطی می‌توانند خویشتندار و مهربان باشند. عاشورا و برخورد پر از شفقت امام شهید ما با گروه ظالمان بهترین نمونه مدعی طرح شده در این نوشته است.

# جولان «زُلر» در سالن اصلی

آیا نمایش «پدر» با هدف بازگشت تئاتر به مسیر گذشته است؟

سالن اصلی مجموعه تئاترشهر به عنوان نماد تئاتر کشور، در اختیار اجرای نمایشی قرار گرفته که نویسنده، کارگردان و نیز تهیه‌کننده آن سابقه‌های تاریک و مبهم دارند. این نمایش با نام «پدر» نوشته‌ای است از فلوریان زُلر، نمایشنامه‌نویس فرانسوی که در ادامه به معرفی آثارش می‌پردازیم. کارگردانی نمایش را آرون دشت‌آرای برعهده دارد که سابقه دستگیری و بازداشت این کارگردان تئاتر به تنهایی کافی است رویکردها و آثارش با حساسیت بیشتری بررسی شود. در این نوشتار مجموعه اطلاعاتی درباره افراد اصلی نمایش پدر طرح می‌شود که به مثابه انگشت اشاره‌ای است به سوی سیستم نظارتی متولیان فرهنگی که با غفلت و سهل‌انگاری، فرصت ضربه به انگاره‌های دینی و اندیشه‌های ایرانی. اسلامی قشر پرسشگر علاقه‌مند تئاتر را فراهم می‌آورد؛ ضربه‌هایی به ظاهر کوچک اما مستمر که به مرور می‌تواند در جان مخاطبان نفوذ کرده و در آینده بحران‌های مهم فرهنگی اجتماعی را در پی داشته باشد.

نمایش پدر در ظاهر داستان پدری سالخورده است که به بیماری آلزایمر مبتلا شده و دودخترش از او نگهداری می‌کند. این اما پوسته ماجراست و مانند سایر آثار فلوریان زُلر، در زیرمتن به روابط بیماری و ارتباطات و مناسباتی بین دختر و پدر اشاره دارد که در آزادترین جوامع جهان هم قابل پذیرش نیست، چه برسد به یک جامعه اسلامی مانند کشور ما که در فرهنگ ملی آن نیز خانواده قداست داشته و روابط اعضای خانواده همواره بر اساس احترام و مراقبت و پاسداشت نهاد خانواده معنا گرفته است.

### فلوریان زُلر کیست؟

نویسنده فرانسوی که کتاب‌هایی مانند شیفتگی شیطان، پدر، مادر، پسر، دختر، دروغ، یک ساعت آرامش، دیگری، آن سوی آینه و... را نوشته است. فلوریان زُلر نمایشنامه‌نویسی است که در دانشگاه علوم سیاسی خوانده و بعد به سمت ادبیات سپس فیلمسازی رفته است. او سال گذشته بر اساس رمان پدر، فیلمی با همین نام ساخت و به زودی فیلم دیگری با نام پسر عرضه می‌شود. عقده‌های روانی با تعاریفی که فروید ارائه می‌کند و روابط هنجارشکن. از علاقه‌مندی‌های زُلر است و او همواره در آثارش به ترویج مفاهیم و موضوعاتی می‌پردازد که ماهیتی غیراخلاقی و ضد خانواده و ساختارشکن دارد. به نظر می‌رسد او شرح آشفته‌گی‌های روانی و عبور از مرزهای اخلاقی نه چندان محدود در جامعه خویش را با نوشتن درباره موضوعات ملتهب و ساختارشکن به انجام می‌رساند تا در دنیای فیلم و نمایش به لایه‌های زیرینی که در پس داستان‌ها و صحنه‌های معمولی زندگی خانوادگی وجود دارد، نقب بزند و چه بسا از این غلت زند، لذت و ارضای روحی و روانی را تجربه می‌کند. البته این راه را هم باید گفت که آثار نویسندگانی مانند زُلر در بستر فرهنگی کشورش که در آن مرزهای بی‌اخلاقی درنوردیده شده، ممکن است موثر باشد اما این آثار در برخورد با فرهنگ ایرانی. اسلامی، قطعاً تأثیراتی مخرب و ویرانگر دارند.

اگر با آثار زُلر آشنایی ندارید، همین بس که بداند یکی از آثار او با عنوان «دیگری» سال ۹۶ به کارگردانی بهاره رهنما به صحنه رفت، ماجرای دو زن را نمایش می‌داد که هوی یکدیگر هستند و یکی از زن‌ها در تلاش است توجه دیگری را به لحاظ جنسی به خود جلب کند تا در یک ارتباط همجنس‌گرایانه بتواند ارتباط خود را از همسرشان جدا کنند و از مردشان بی‌نیاز شوند. زمانی که این نمایش با تهیه‌کنندگی پوپک کم‌گویان به صحنه

رفت، عکس‌هایی از بهاره رهنما در این نمایش دست به دست شد که بیکیسلی روی لبانش جلب توجه می‌کرد و این بیکیسل چیزی نبود جز نماد رنگین‌کمانی متعلق به همجنس‌گرایان.

### تب مشکوک زُلر، در تئاتر ایران

تقریباً یک ماه بعد از نمایش «دیگری»، نمایش «اگه بمیری» از همین نویسنده به کارگردانی سمانه زندی نژاد در تئاتر ایران‌شهر به صحنه رفت؛ در این نمایش زنی پس از مرگ همسرش در این اندیشه است که آیا او در تمام دوره زناشویی‌شان مرکب خیانت شده است یا خیر! بعد از آن در سال ۹۸ باز هم دو نمایشنامه از زُلر در ایران به صحنه رفت. این بار نمایشی با عنوان «پدر / مادر» که رضا احمدی در تئاتر مستقل تهران با بازی مسعود کرامتی، مهدی پاکدل و نسرين نصرتی به صحنه برد. در این اجرا نمایش پدر اشاره‌های مستقیم به موضوعات جنسی نداشت اما در اپیزود مادر تمایلات نامتعارف جنسی بین مادر و پسر به وضوح مشهود بود. ضمن این‌که این دو نمایش متأثر از فرهنگ بی‌چارچوب فرانسوی از صحنه‌های نوشیدن مشروب و رقص هم خالی نبود. تیرماه ۹۸ هم نمایشنامه «دروغ» زُلر به کارگردانی آریان رضایی در تئاتر ایران‌شهر به صحنه رفت که داستانی درباره خیانت و پنهانکاری دارد. در حقیقت تقریباً در دو سال منتهی به شیوع ویروس کرونا، تب زُلر به جان تئاتر ایران افتاد و کارگردان‌های زیادی نمایشنامه‌هایش را به صحنه بردند. بدون تردید بین سال‌های ۹۶ تا ۹۸ فلوریان زُلر بیشتر از هر نویسنده دیگری در تئاتر ایران نقش و نفوذ داشت و این به تنهایی کافی است درباره جریان ضربه‌های مستمر به پیکره فرهنگ ایران حساس بنامیم. آشن آن قدر شور شده بود که در همان دولت دوازدهم اجرای آثار این نمایشنامه‌نویس ممنوع شد و حالا ناگهان دوباره شاهد اجرای آثاری از او در تئاتر شهر هستیم. آیا ترویج افکار ضد فرهنگی نمایشنامه‌نویس فرانسوی با توجه به تلاش‌های پیگیر فرانسویان برای نفوذ در ساختارهای فرهنگی کشور مشکوک نیست؟

### از بازداشت تا تئاتر شهر

آرون دشت‌آرای، کارگردان و طراح صحنه که نمایش پدر را به صحنه برده، تابستان ۱۳۹۸ و در آستانه ایام عزاداری سالار شهیدان در یک مهمانی با اعضای شورای به نام شورای فرهنگی بریتانیا دستگیر و به اوین فرستاده شد. دشت‌آرای که با نهاد‌های بین‌المللی تئاتر در ارتباط است، به همراه همسر هلندی‌اش ام‌ماریان ون هولک در خانه شخصی خود مهمانی خاصی برگزار کرده که به بازداشت و انجم‌آید. این ماجرا به صدور اطلاعیه‌ای از سوی وزارت اطلاعات ایران منجر شد که به شبکه‌سازی و جریان‌سازی نفوذ، توسط بریتانیا اشاره داشت و بر اساس آن، ارتباط با شورای فرهنگی بریتانیا ممنوع اعلام و اصطلاح «نمایشنامه‌های سفارتی» به واژگان حوزه تئاتر افزوده شد. دشت‌آرای پس از آزادی، مشغول تمرین نمایش جدید خود به نام «بداهه» شد؛ نمایشی که در تالار «ایران‌شهر» روی صحنه رفت و هرچیزی می‌توانست باشد جز «بداهه»، در این نمایش زوج‌هایی حضور داشتند که برای هر کدام از آنها یک موقعیت طراحی می‌شد و زوج‌های بازیگر بر اساس موقعیت طراحی شده، بازی‌هایی ارائه می‌کردند که تماشاگرانی که چند اجرای این نمایش را به صورت نامرتب به صورت اتفاق انتخاب و تماشا کرده بودند، متوجه شدند همه چیز در این نمایش کاملاً از پیش طراحی شده و عمدتاً طراحی و شیوه بازی در موقعیت‌ها به ترتیبی بوده که تماشاگران در پاسخ به این سؤال که اگر جای زوج‌های نمایش بودند، چه می‌کردند، به این پاسخ برسند؛ جدا می‌شدیم! در واقع موقعیت‌های این نمایش متلاابده، مبتنی بر جدل در روابط زناشویی و جنگ قدرت بر سر تحمیل عقیده است که با نهاد خانواده به عنوان یک مفهوم برآمده از فرهنگ ایرانی -



اسلامی، هیچ ارتباطی ندارد. با وجود نمایش‌هایی از این دست و رویکردهای ضد خانواده کسانی چون فلوریان زُلر که با نمایشنامه‌هایش در تئاتر ایران نفوذ کرده و کارگردان‌هایی چون دشت‌آرای که هر بار به شیوه‌ای ارتباطات خانوادگی و مسائل و مشکلات زندگی خانوادگی را در مرز بحران و چالش برانگیز ارائه می‌دهند، تردیدی درباره پروژه‌های نفوذ باقی نمی‌ماند. اگر شیوه عملکرد آرون دشت‌آرای در تئاتر ایران به معنی نفوذ ویرانی دیدگاه‌ها و سنت‌های قابل احترام و تقدس خانواده نیست، چه چیز دیگری می‌تواند باشد به خصوص اگر بدانیم که تهیه‌کننده نمایش بداهه کسی نبود جز پوپک کم‌گویان که تهیه‌کنندگی نمایش مبتذل و ضد خانواده «دیگری» را نیز بر عهده داشت و روش به اصطلاح بداهه در نمایش بداهه بعدها توسط ماریان ون هولک، همسر دشت‌آرای ادامه پیدا کرد.

این همه آن چیزی نیست که بیرون دشت‌آرای پدر بر ابهام می‌کند؛ آرون دشت‌آرای سال ۱۳۹۶ در سی‌وششمین جشنواره تئاتر فجر، دبیر بخش بین‌المللی جشنواره بود و در همین دوره در تئاتر ایران‌شهر، «تنهایی بر هیاهو»، برداشتی آزاد از رمانی با همین نام توسط آفشین غفاریان، طراح رقص و رقصنده که فلاسک پاریس است، اجرا و کارگردانی شد.

همچنین در همین دوره جشنواره «نمایشی» با عنوان «دهن‌گنده» از کشور بلژیک به نویسندگی، کارگردانی و بازیگری والتائین دابنسس در سالن ناظرزاده روی صحنه رفت که بالانویس نمایش برای لحظاتی قطع شد چرا؟ چون بازیگر روی صحنه به توصیف وحشی‌گری مسلمانان می‌پرداخت و دین مبین اسلام را سرمنشأ خشونت معرفی می‌کرد. ضمن این‌که یکی از مشاوران او در این دوره جشنواره، ارس امیری بود که مدتی به اتهام امنیتی بازداشت بود.

ضمن این‌که آرون دشت‌آرای از جمله کارگردان‌هایی است که به فعالیت‌های تشکیلاتی علاقه دارد، او در انجمن‌های هنری بین‌المللی متعددی عضویت دارد که برخی از آنها را خودش پایه‌ریزی کرده و حالا سؤال اینجاست که با چنین ابهاماتی چرا باید سالن اصلی تئاتر شهر را برای اجرای نمایشی مانند پدر در اختیار داشته باشد؟